

رمضان و ساختن افتخارات

(ترجمه)

نام رمضان که به میان می‌آید، بی‌درنگ داستان‌های فتح و پیروزی و نام فرماندهان و امیران در ذهن تداعی می‌شود و صفحات عزت و افتخار یکی پس از دیگری مرور می‌شوند تا جایی که از شمارش آن‌ها می‌مانیم؛ اما این پیروزی‌های بزرگ را امروز تنها در کتاب‌های تاریخ می‌شناسیم و نزدیک‌ترین آن‌ها به زمان ما، فاصله‌ای به اندازه قرن‌ها غم و اندوه دارد. چرا چنین است؟ چه چیزی کم داریم؟

بی‌شک بسیاری از علماء امروز تنها یک پاسخ برای این پرسش دارند: چون از الله سبحانه و تعالی دور شده‌ایم و تقوا و ایمانی را که آنان داشتند، نداریم. ما شایسته‌ی پیروزی نیستیم. سپس فهرستی از گناهان فردی امت امروز را ردیف می‌کنند.

هیچ مسلمانی منکر ضرورت ایمان در هر لشکری و برای هر پیروزی نیست، اما آیا عامل دیگری هم وجود دارد؟

افتخارات رمضان با نام فرماندهان بزرگ آن درهم‌تنیده است. نمی‌توان از نبرد زلاقه سخن گفت بی‌آنکه دلآوری‌های فرمانده آن، یوسف بن تاشفین را یاد نکرد. سخن از پیروزی عین جالوت در رمضان نیز بدون پرداختن به فداکاری‌های سلطان قطز کامل نمی‌شود و همین‌گونه دیگر پیروزی‌ها.

آری، رمضان ماه تقویت ایمان و ماه برکت از جانب الله سبحانه و تعالی است؛ اما بدون فرماندهی که لشکرها گرد او جمع شوند، بدون خلیفه‌ای که بانگ تکبیر جهاد سر دهد و توان امت را بسیج کند، امت ما همچنان پراکنده و ناتوان باقی می‌ماند و آماج ضربات می‌شود، هرچند که قهرمانان فراوان در دل خود داشته باشد و رمضان ایمان‌ها را صیقل داده باشد.

افزون بر این‌ها، طاغوت‌هایی وابسته به قدرت‌های کفر جهانی بر ما مسلط‌اند؛ آنان مانع هر بیداری و هر گردهمایی قدرت می‌شوند و هر حرکت تغییرخواهانه‌ای را در نطفه خفه می‌کنند. از همین روست که امروز در امت چیزی جز اقدامات فردی و مقاومت‌های پراکنده نمی‌بینیم؛ مقاومتی که نه سرزمینی را آزاد می‌کند و نه دشمنی را از میان برمی‌دارد.

از این رو، اتهام امت به اینکه به خاطر معاصی‌اش خواهان پیروزی و آزادی نیست، جفا و ظلمی است در حق امتی که الله سبحانه و تعالی او را بهترین امت برای مردم قرار داده است. بی‌امام، چه کسی مرزها را خواهد گشود؟ چه کسی صفوف را جمع خواهد کرد؟ چه کسی ندای جهاد سر خواهد داد؟ و پس از آزادی سرزمین‌ها، چه کسی حکومت را بر عهده خواهد گرفت؟ عجب است که این اصل استوار از یاد برخی رفته است!

امیران همان کسانی هستند که با امت و همراه با آن پیروزی‌ها را رقم می‌زنند و همچنین همان کسانی هستند که با تصمیمات ذلت‌بار خود یا تبعیت از دشمنانشان، شکست‌ها را برای امت به ارمغان می‌آورند و شاید با من هم عقیده باشی که هرگاه حتی رهبری منحرف از مسیر درست برای امت ما فراهم شود، فوراً صفوف مسلمانان گرد آن جمع می‌شوند و برایش توجیه می‌آورند و چه بسا پیروزی‌های مقطعی نیز نصیبش شود، همین که اعلام جنگ با یهود کند.

امت ما تشنه‌ی رهبری است که همراه او بزرگ‌ترین فداکاری‌ها را انجام دهد و تا زمانی که این حکومت‌های مزدور در بلاد ما بر سینه امت سنگینی کنند و نفس تغییر را در آن خفه سازند، رمضان پشت رمضان بر ما خواهد گذشت و جز کشتار و خسارت و شهید چیزی نخواهیم شمرد...

بین رمضان آنان و رمضان ما:

برای نزدیک کردن ذهن‌ها، شماری از افتخاراتی را که در رمضان و در سایه‌ی خلافت و امیران اسلام رخ دادند، در کنار حوادثی می‌آوریم که در همان روزها اما در سایه‌ی حکومت جبری که امروز آن را تجربه می‌کنیم، اتفاق افتاد تا تفاوت عظیم و مصیبت بزرگ آشکار شود.

در اول رمضان سال 20 هجری، صحابی جلیل عمرو بن عاص مصر کنانه را فتح کرد و سرزمینش را به ولایتی اسلامی تبدیل نمود، آن‌هم در عهد فاروق عمر رضی‌الله‌عنه و اما در اول رمضان سال 1425 هجری برابر با 2004 میلادی، یهودیان جنایتی در نوار غزه مرتکب شدند که در آن 110 نفر شهید شدند که یک‌سوم‌شان کودک بودند، در عملیات موسوم به «روزهای ندامت».

در پنجم رمضان سال 666 هجری، ظاهر بیبرس با لشکری بزرگ به سمت امارت انطاکیه که هفتادوپنج سال در دست صلیبیان بود، یورش برد و آن را محاصره کرد تا سرانجام صلیبیان همان روز تسلیم شدند و اما در پنجم رمضان سال 1367 هجری برابر با 11 ژوئیه 1948 میلادی، واحد کماندویی صهیونیستی به فرماندهی موشه دایان جنایتی در شهر لُد فلسطین مرتکب شد؛ آن‌ها شهر را هنگام غروب و زیر بارانی از گلوله‌های توپخانه‌ای اشغال کردند و مردم برای در امان ماندن به مسجد دهمش پناه بردند. در این حمله 426 فلسطینی کشته شدند.

در هشتم رمضان سال 164 هجری برابر با 684 میلادی، مسلمانان به رهبری عقاب قریش عبدالرحمن داخل بر سپاه شارلمان پیروز شدند و در هشتم رمضان سال 1342 هجری برابر با 1924 میلادی، مسلمانان برای اولین بار ماه رمضان را بدون خلیفه روزه گرفتند.

در پانزدهم رمضان سال 138 هجری برابر با 756 میلادی، فرمانده عبدالرحمن داخل از دریا گذشت و وارد اندلس شد و در پانزدهم رمضان مبارک، در سحرگاه روز جمعه سال 1414 هجری برابر با 25 فوریه 1994 میلادی، مسلمانان با چشم و گوش خود شاهد جنایت مسجد ابراهیمی در شهر الخلیل بودند؛ جنایتی که ارتش یهود و گروهی از شهرک‌نشینان کریات اربع در آن شرکت داشتند و توسط افسر یهودی باروخ گلدشتاین اجرا شد. در این جنایت 90 نفر شهید شدند و سه برابر این تعداد زخمی شدند، درحالی‌که در نماز صبح حاضر بودند.

آیا تصویر روشن شد؟! آیا ممکن بود مصر فتح شود اگر فاروق عمر و فاتح عمرو بن عاص و خلافتی نافذ وجود نداشتند؟ آیا مسلمانان می‌توانستند این فتح را در ۱ رمضان محقق کنند؟ یا رمضان همان‌گونه بر آن‌ها می‌گذشت که امروز بر ما یا شبیه آن می‌گذرد؟

جای تعجب نیست که مسلمانان در ۵ رمضان همراه با عبدالرحمن داخل بر صلیبیان در انطاکیه پیروز شوند، اما شگفت‌آور آن است که در همان روز، جنایت لُد در فلسطین رخ دهد و مسلمانان نه پشتیبانی داشته باشند و نه تکیه‌گاهی.

به همین دلیل، وظیفه‌ای که امروز بر گردن مسلمانان سنگینی می‌کند و پیروزی‌ای که پس‌از آن، رخ داده‌های روشن رقم خواهد خورد و کتاب شکست‌های ننگین به خواست الله سبحانه‌وتعالی بسته خواهد شد، این است که فرزندان امت به‌سوی کار و تلاش جدی و مداوم برخیزند و دست‌ان‌واژه گرفته خود را در دست دعوت‌گرانی مخلص بگذارند که خود را وقف هدفی واحد و اساسی کرده‌اند؛ همان هدف سرنگونی این نظام‌های خوار و بیعت با صلاح‌الدین جدید، بیعت با غافقی جدید و اینکه هر دعوتی برای نشستن یا انتظار کشیدن، یا خفت و خواری یا عادی‌سازی روابط با طاغوت‌ها و اربابان‌شان را کنار بگذارند.

و بر نیرومندان امت و سواران سپاه آن واجب است بدانند که خشم الله سبحانه و تعالی بر آن‌ها بزرگ است اگر امت خود را یاری نکنند و همراه با آن، این پروژه رشید را که پایان بخش دوران وابستگی و ذلت است، بیعت نکنند؛ پایان بخشی بدون بازگشت به خواست الله سبحانه و تعالی.

اللهم از تو بیعت رشید و پرهیزگارانہ خواستاریم که با آن رمضان پیروزی و فتح‌ها را به ما بازگردانی و سال‌های ذلت و تیرگی را پایان دهی. پروردگارا، از تو نوری در عقل جوانانمان می‌طلبیم که آن‌ها را از سرگردانی و فریب مصون دارد و به راه هدایت و صلاح رهنمون شود. اللهم ما را از روزه‌داری رضانی محروم مکن که هلالش را امیرالمؤمنین اعلام می‌کند و سپاهش را به سوی پیروزی آشکار رهبری می‌کند، در سایه خلافت راشدین. اللهم آمین و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.

نویسنده: استاد احمد الصوفی (ابونزار الشامی)

برگرفته از شماره ۵۳۹ جریده الرایه